

بررسی تغییرات سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی مطالعه تأثیر سیلاب لرستان در فروردین ۱۳۹۸

مجتبی ترکارانی^۱، الهام مرادی نژاد^۲

(تاریخ دریافت ۱۵/۰۵/۹۸؛ تاریخ پذیرش ۱۵/۱۲/۹۹)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه تغییر ابعاد سرمایه اجتماعی در مراحل سه‌گانه (قبل، حین و پس از) سیلاب فروردین ۱۳۹۸ در استان لرستان است. در این پژوهش، از روش کیفی و مقایسه‌ای جهت شناخت و مقایسه ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف سیل استفاده شده است. جهت گردآوری اطلاعات، با مدیران، کارشناسان، امدادگران، افراد سیل زده، و نیز گروه متمرکز مصاحبه شده است. یافته‌ها نشان داد ابعاد سرمایه اجتماعی در مراحل سه‌گانه بحران تغییر کرده است؛ به این شکل که در بعد آگاهی، جامعه از ادراک تقدیرگرایانه بلایای طبیعی، به در ک انسان ساخت و دولت ساخت بودن بلایای طبیعی رسیده است. در بعد اعتماد، جامعه از کم‌اعتمادی بین دولت و ملت، به بی‌اعتنایی و بدینه تغییر نگرش داده، و در بعد مشارکت، از مشارکت سنتی و بی‌سازمان، به انفعال مردم محلی و وابستگی بیشتر مردم به دولت رسیده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سیلاب، آگاهی، اعتماد، مشارکت، لرستان.

۱. دکتری جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
tarkarani@gmail.com
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی
elmong2013@gmail.com
مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۲، تاپستان ۱۴۸-۱۲۳: ۱۳۹۸

مقدمه و طرح مسئله

بلایای طبیعی با شدتی فزاینده جهان را ویران می‌کنند. تعدد وقوع حوادث طبیعی در سال‌های اخیر نشان داده است که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مدعی ایمن‌بودن از مخاطرات طبیعی باشد و انسان‌ها همواره با تأثیرات ذهنی و عینی زیان‌بار این پدیده‌ها روبه‌رو هستند (عزمی و نوری، ۱۳۹۶: ۷۸).

شروع سال جدید خورشیدی ۱۳۹۸ در ایران، با وقوع بارش‌های سیل‌آسا همراه بود. از ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ تا ۱۱ فروردین ۱۳۹۸، ایران تحت تأثیر سامانه بارشی بود. بارش‌های استان لرستان، در فاصله زمانی ۳ تا ۱۱ فروردین و طی فعالیت دو سامانه بارشی رخ داد که به‌دلیل حجم زیاد بارش، دو سیلاب سهمگین در این استان به راه افتاد. اولین سیلاب، در پنجم فروردین ماه ۱۳۹۸ و دومین سیلاب در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۹۸ رخ داده است. سیلاب شهرهای پل‌دختر، نورآباد، خرمآباد، دوره چگنی را محاصره کرد، تا جایی که در شهر پل‌دختر و برخی از روستاهای آن تنها امکان امدادرسانی هوایی در روزهای آغاز سیل وجود داشت (تشکر، ۱۳۹۸: ۲). تاریخ این سرزمین از قرن‌های گذشته نشان می‌دهد که ایرانیان هنگام مواجهه با حوادث و بلایای طبیعی، به جامعه‌ای متحد و قدرتمند تبدیل می‌شوند. به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، ایرانیان پس از وقوع بحران، فوراً به همیستگی گروهی و سازمان‌دهی دربرابر بحران دست می‌یابند (عسکری، ۱۳۹۵: ۲۹۱)، بنابراین، وقوع بلایای طبیعی در اجتماع، به لحاظ تاریخی، ضرورت همکاری، همیاری و اعتماد را تحت عنوان سرمایه اجتماعی نمایان ساخته است (یلا^۱ و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۱۳؛ پژوهش‌های عزمی و نوری، ۱۳۹۶)، عسکری (۱۳۹۵)، عینالی و همکاران (۱۳۹۴)، قدیری و رکن الدین افتخاری (۱۳۹۲)، عینالی (۱۳۸۹)، و عکاشه (۱۳۸۳) نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی نقش مهمی در کاهش آسیب بلایای طبیعی دارد. از این‌جهت، همواره افزایش سرمایه اجتماعی به منزله راه حل اساسی کاهش آسیب بلایای طبیعی مطرح بوده است. سرمایه اجتماعی همیشه اهمیت خود را در نهادهای رسمی و غیررسمی درگیر در بحران گرفته، تا کمک‌های مردمی و کارهای خیریه مردم عادی نشان داده است. نقش تخفیف‌دهنده سرمایه اجتماعی برای بلایای طبیعی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه علمی راهگشا بوده، اما سبب شده که شکل غالب پژوهش‌های مرتبط با سوانح طبیعی به تأکید و تأیید نقش کنترل‌کننده سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی معطوف شود و کمتر به تغییر سرمایه اجتماعی توجه نشان داده شود. این در حالی است که با وقوع بلایای طبیعی، ساکنان مناطق آسیب‌دیده، به‌دلیل از هم‌گسیختگی شیرازه و نظم زندگی اجتماعی، و نیز تلفات

۱. Yila

جانی و مالی، در برخی از مهارت‌های اجتماعی از قبیل حمایت و پشتیبانی از یکدیگر در ابعاد اقتصادی، روحی، روانی، و مشارکت در امور عمومی با مشکلات جدی مواجه می‌شوند (حیدری ساریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶). اختلال در این ویژگی‌ها، که در ساحت نظری بهمنزله ابعاد سرمایه اجتماعی شناخته می‌شوند، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی نه تنها همیشه به صورت مستقل نمی‌تواند آسیب بلایای طبیعی را کنترل کند و کاهش دهد، بلکه خود در روند بلای طبیعی تغییر می‌کند؛ از طرفی مطابق پژوهش‌های ترکارانی (۱۳۹۳) و ترکارانی و حق‌ندری (۱۳۹۵) در جامعه لرستان به صورت تاریخی و حتی در حال حاضر حضور نهادها و گروه‌های مدنی بسیار ضعیف است. این نشان می‌دهد که اولاً، در جامعه، انجام کار جمعی به صورت سنتی و غیرسازمانی جریان دارد. دوم، جامعه در شرایط بحرانی فاقد ظرفیت سازمانی جهت مقابله با حوادث است و بیشتر بر توان خودانگیخته نیروهای محلی و شبکه‌های خویشاوندی متکی است. از این جهت، شناخت وضعیت ابعاد سرمایه اجتماعی در هنگام رخداد بلایا و تأثیر این بلایا بر تغییرات ابعاد سرمایه اجتماعی بهخصوص در جامعه نیمه‌سنتی لرستان موضوعی در خور مطالعه است.

بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، در مراحل مختلف سیل در مناطق سیلزده لرستان از منظر کیفی چه تغییری کرده است؛ علاوه براین، وضعیت کلی سرمایه اجتماعی نیز در مراحل مختلف سیلاب چه تغییراتی کرده و پیامد این تغییرات برای جامعه آسیب‌دیده در مراحل مختلف بحران چگونه بوده است. با توجه به پرسش‌های پژوهش، اهداف تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

۱. فهم تغییرات ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف سیلاب لرستان در فروردین ۱۳۹۸؛
۲. بررسی تأثیرات و پیامدهای تغییر سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف بحران و ارائه راهکارها.

پیشینهٔ تجربی پژوهش

در این قسمت، پژوهش‌های داخلی و خارجی درباره رابطه سرمایه اجتماعی و بلایای طبیعی بررسی و ارزیابی شده‌اند: رشدات‌جو و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی کلان‌شهرهای ایران در شهر رشت پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (آمادگی، مقابله، بازسازی) و مدیریت بلایای طبیعی کلان‌شهر رشت ارتباط معناداری برقرار است: هرچه سرمایه اجتماعی تقویت شود، مدیریت بحران‌های اجتماعی مناسب‌تر خواهد بود.

سلطانی حبیب و حقیقی (۱۳۹۵)، با بررسی سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در مدیریت بحران شهرها، دریافتند که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، حمایت، احساس امنیت) و مدیریت بحران‌های اجتماعی (پیش‌گیری، آمادگی، مقابله و بازسازی) ارتباط معناداری وجود دارد. در پژوهشی دیگر، عزمی و نوری (۱۳۹۶)، با بررسی نقش سرمایه اجتماعی و مدیریت مخاطرات طبیعی در سکونت‌گاه‌های روسیایی، گزارش کردند که همکاری، مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی رابطه معنی‌داری با مدیریت مخاطرات طبیعی دارد و این رابطه را تسهیل کرده است.

پیلینگ (۲۰۰۳)^۱ در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌پذیری شهرها: سوانح طبیعی و تاب‌آوری اجتماعی»، سرمایه اجتماعی را عاملی کلیدی در مدیریت سوانح قلمداد کرده و میزان همبستگی و اعتماد به قوانین در سطح جامعه محلی را باعث بالارفتن تاب‌آوری مردم محلی دانسته است. پاترسون^۲ و پاتل^۳ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای به نقش جامعه محلی در واکنش به سانحه با تمرکز بر نقش سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. آنها در زمینه عوامل مؤثر بر کاهش آسیب‌پذیری جامعه دربرابر سوانح طبیعی، به اهمیت شبکه‌های اجتماعی، نگرش، اعتماد بین افراد و انسجام اجتماعی اشاره کرده‌اند. علاوه‌براین، یلا^۴ و همکاران (۲۰۱۴)، با بررسی اثر سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی، بر نقش سرمایه اجتماعی بهمثابه یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر کاهش خطر سانحه سیل تأکید کرده‌اند.

ارزیابی مطالعات انجام‌شده در زمینه سرمایه اجتماعی و بلایای طبیعی، وجودی از تفاوت پژوهش حاضر را با مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که عبارت‌اند از: ۱) اغلب تحقیقات به نقش تسهیل‌کننده سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران بلایای طبیعی اشاره کرده‌اند، در حالی که این تحقیق لزوماً این نتیجه را تأیید نمی‌کند؛ ۲) غالباً تحقیقات با رویکرد کمی (پیمایشی) انجام شده‌اند، درحالی که در این تحقیق سرمایه اجتماعی به‌روش کیفی بررسی شده است؛ ۳) محققان کمتر به تغییرات ابعاد سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف بحران طبیعی پرداخته‌اند، درحالی که تفکیک مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند در روشن کردن اثر بلایای طبیعی بر ابعاد سرمایه اجتماعی مؤثر باشد. ۴) در بررسی بلایای طبیعی، بیشتر به نقش کنترل‌کننده و «از بالا به پایین» سرمایه اجتماعی در بهبود مدیریت بلایای طبیعی توجه شده

۱. Peeling

۲. Patterson

۳. Patel

۴. Yila

است، در حالی که ضرورت دارد به سرمایه اجتماعی به صورت مستقل و بهمنزله مفهومی توجه شود که ممکن است در روند بلایای طبیعی دچار تغییر شود.

سرمایه اجتماعی و بلایای طبیعی

سرمایه اجتماعی پاسخی فرآگیر به این پرسش قدیمی است که از چه روی افراد گرد هم می‌آیند و با وجود منافع متضاد، در سطحی وسیع تر منافعی مشترک پیدا می‌کنند (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۹). وجود گروههای اجتماعی برپایه اعتماد دوجانبه و هنجارهای مشترک، به ایجاد شبکه‌های اجتماعی منجر می‌شود. با تشکیل شبکه‌های اجتماعی، همکاری بین اعضای شبکه آسان می‌شود و حمایت دوسویه اعضای شبکه از یکدیگر شکل می‌گیرد و حمایت اعضا از یکدیگر، با اعتماد به اینکه در آینده پاسخی مستحق این حمایت از طرف مقابل دریافت خواهد شد، ذخیره اجتماعی را برای هر عضو به وجود می‌آورد. از اນباشت این ذخیره اجتماعی در فرد، در شبکه‌ها (میان افراد) و در جامعه (میان شبکه‌ها) سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۷: ۸۶).

انواع سرمایه اجتماعی

در بیشتر تعاریف، انواع سرمایه اجتماعی تفکیک نشده و این مفهوم به صورت عمومی سنجش شده است، در حالی که تمایز بین انواع آن، مسئله‌ای اساسی برای پژوهش‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. پاتنام^۱ از نخستین کسانی بود که به این تمایز پرداخت. او با تفکیک انجمن‌های درون‌گروهی و انجمن‌های برون‌گروهی، تفاوت انواع سرمایه اجتماعی را نشان داد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نوعی از سرمایه اجتماعی است که افراد را از منظرهای مهمی مثل قومیت، سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و نظایر آن کنار هم قرار می‌دهد. در مقابل، سرمایه اجتماعی (اتصالی) برون‌گروهی، به شبکه‌های اجتماعی‌ای اشاره دارد که افراد غیرمشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌کند و می‌تواند به هویت‌های باز و فارغ از تعصب شکل دهد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۷۱).

لرستان، بهمنزله یکی از استان‌های غربی ایران، جامعه‌ای سنتی با بنیان‌های قوی ایلی بهشمار می‌رود. همراه با رشد شهرنشینی و افزایش تحصیلات زنان و مردان، ساخت ایلیاتی کمرنگ‌تر از سابق شده، اما همچنان پایه‌های خود را در روابط اجتماعی حفظ کرده است. سرمایه اجتماعی مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی در متن و تاریخ اجتماع به وجود می‌آید و

^۱. Putnam

جنبهای از ساخت اجتماعی است (ادبی سده و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۵). در ساخت اجتماعی لرستان، سرمایه اجتماعی دارای ویژگی‌هایی خاص مبتنی بر فرهنگ اجتماعی غالب جامعه است. الگوی حاکم بر سرمایه اجتماعی در این مناطق، بیشتر مبتنی بر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است. رای شناخت تغییرات مفهومی سرمایه اجتماعی متأثر از رخداد بلایای طبیعی در لرستان، باید قالب‌بندی و فرهنگ سنتی حاکم بر روابط اجتماعی در این جامعه را در نظر گرفت که بر شکل‌دهی سرمایه اجتماعی مؤثر است.

از بلایای طبیعی تعاریف متعددی ارائه شده است. از نظر برخی محققان، بلایای طبیعی بهمثابه یک دوره بحران اجتماعی شناخته می‌شود. طبق این رویکرد، بلایای طبیعی، با تأثیرگذاشتن بر نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه آسیب‌پذیر، در روال طبیعی آن جامعه اختلال ایجاد می‌کند و مانع ایفای نقش مناسب آن جامعه برای کنارآمدن با آثار پدیده می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۸).

از دیدگاه مدیریت سانحه، ساختار جامعه محلی با تصمیم‌گیری غیرمتمرکز از طریق شبکه‌های اجتماعی و استفاده از رفتار هنجاری توأم با اعتماد و همکاری متقابل، پاسخی منطقی به سانحه می‌دهد و از پیامدهای منفی آن می‌کاهد. از این منظر، سرمایه اجتماعی سپری در مقابل اثر مخاطرات طبیعی است و سازماندهی مجدد اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند (چیا، ۲۰۱۰: ۱۹).

چارچوب مفهومی

رابط پاتنام از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. از دیدگاه پاتنام، سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از ویژگی‌های سازمان اجتماعی، همانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت، اشاره دارد که از طریق ارتباط یا مشارکت بهینه میان اعضای اجتماع حاصل می‌شود. پاتنام هنجارهای همیاری و آگاهی را مولدت‌ترین جزء سرمایه اجتماعی می‌داند. او معتقد است ملاک سرمایه اجتماعی اصل همیاری تعمیم‌یافته است. در این باره می‌نویسد: «من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم، بی‌آنکه شما را بشناسم، اما این اطمینان را دارم که در طول راه، شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد» (پاتنام، ۱۳۷۹: ۹۵).

از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام اعتماد است. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری و مدار، و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در جامعه‌های کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر،

^۱. Chia

اعتماد غیرشخصی یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد که بسط مدارا را روان‌تر می‌کند (همان، ۱۳۴). در این نوشتار، رویکرد پاتنامی به سرمایه اجتماعی انتخاب شده است که شامل آگاهی و هنجارهای متقابل، اعتماد و مشارکت شبکه‌های رسمی و غیررسمی است. با وجود کیفی بودن تحقیق، از دیدگاه پاتنامی سرمایه اجتماعی به منزله قاب تحلیلی برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف سیل (قبل، حین و بعد) استفاده شده است.

روش‌شناسی

روش‌شناسی تحقیق برمبنای رویکرد کیفی انتخاب شده است. از این‌جهت که برای شناخت شیوه تغییر سرمایه اجتماعی در فرآیند سیل برمبنای فهم کنشگران، استفاده از روش کیفی لازم است. البته، این مطالعه نوعی تحلیل مقایسه‌ای کیفی نیز محسوب می‌شود؛ زیرا سیر تغییر مفهومی ابعاد سرمایه اجتماعی را در مراحل مختلف بحران دنبال می‌کند و برای هر دوره و هر بُعد با توجه به دیدگاه مطالعه‌کنندگان مفاهیم مختلفی را استخراج می‌کند. گرچه در تحقیقات کیفی معمولاً داده‌ها خود جهت تحلیل را مشخص می‌کنند و کمتر چارچوب مشخصی به مثابه قاب تحلیلی به کار گرفته می‌شود، در عمل، همیشه تحقیقات پیشین به کار جهت می‌دهند. ما در اینجا از قاب تحلیلی^۱ برای جمع‌کردن داده‌ها حول چند مقوله استفاده کرده‌ایم تا قابلیت مقایسه وجود داشته باشد و بتوان سیر تغییر مفهومی ابعاد سرمایه اجتماعی را نشان داد؛ به عبارت دیگر، فرآیند تحقیق، نوسانی بین مؤلفه‌های استقرایی و قیاسی است؛ به این شکل که نظریه‌پایه‌ای سرمایه اجتماعی پاتنام (۱۹۹۳، ۲۰۰۰) همچون چارچوب تحلیلی عمل می‌کند و با ترکیب تصویر سرمایه اجتماعی متناسب با زمینه تحقیق، روند تغییر را نشان می‌دهد. استفاده از یک قاب تحلیلی (عمدتاً قیاسی) همراه با تصاویر محلی (عمدتاً استقرایی) می‌تواند به مثابه روشی برای تولید "بازنمایی" از سرمایه اجتماعی برای تحلیل‌های بیشتر مخصوصاً تحلیل‌های مقایسه‌ای یا توصیفی به کار برد شود (راغن،^۲ ۱۹۹۴، نقل از اریکسون و همکاران، ۲۰۰۹).

این تحلیل در مرحله تولید مفاهیم از داده‌ها از روش کیفی نظریه زمینه‌ای استفاده کرده و نوعی بازسازی نظری انجام می‌دهد. به این شکل که نظریه پاتنام را از پایین بازسازی و کدها را به مفهوم تبدیل می‌کند، ولی این مفاهیم خودرو نیستند و لازم است جهت تحلیل مقایسه‌ای در بالا حول یک قاب معین بازسازی شوند (دالگرن^۳ و همکاران، ۲۰۰۷). این نوسان بین کدها

^۱. Frame

^۲. Ragin

^۳. Dahlgren

و قاب تحلیلی توضیحات مفصلی از ابعاد سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند و به تفسیر تعاملی بین قاب تحلیلی پاتنام و اطلاعات میدانی منجر می‌شود. اریکسون و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای درباره سرمایه اجتماعی این الگو را به کار گرفته‌اند.

داده‌های تحقیق در مراحل مختلف سیلاب، با توجه به مصاحبه‌های عمیق، بازدیدهای میدانی، مصاحبه گروه‌های مرکز و مصاحبه با مسئولان و کارشناسان، در فاصله ۱۳ فروردین ۱۳۹۸ تا ۳۱ شهریور ۱۳۹۸ جمع‌آوری شده است. جامعه تحت مطالعه را افراد ساکن در مناطقی از استان لرستان، شامل پل‌دختر، معمولان و چگنی، تشکیل می‌دهند که در مرکز سیلاب قرار داشتند. در مجموع، در خرم‌آباد و مناطق سیل‌زده نورآباد، پل‌دختر، دوره چگنی و معمولان، هفت جلسه بحث گروهی برگزار شد. در خرم‌آباد، این جلسه‌ها با حضور فعالان مدنی و سمن‌های درگیر سیلاب و مطلعان کلیدی و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان برگزار شد. در جلسات شهرستان‌های سیل‌زده، مردم محلی، اعضای شورای شهر و روستا، مسئولان دولتی و اعضای سمن‌ها و فعالان رسانه‌ای حضور داشتند. در هر جلسه، بین ۱۵ تا ۲۰ نفر حضور داشتند و در مجموع، جلسات گروهی حاصل گفت‌وگو با ۷۰ زن و ۶۰ مرد است. علاوه‌براین، محققان مصاحبه‌های متعددی را در شهرهای سیل‌زده با مردم محلی و مسئولان دولتی یا فعالان مدنی و صاحب‌نظران حوزه مدیریت بحران به صورت فردی انجام داده‌اند. نتایج مشاهدات میدانی نیز در مطالعه منعکس شده است.

از نظر برش زمانی، سه مرحله با عنوان قبل، حین و بعد از بحران وجود دارد که هر مرحله اقدامات منتظر با خود را به‌همراه دارد. در این پژوهش، مرحله قبل از بحران، اقدامات مربوط به پیش‌گیری از حوادث و سوانح و آمادگی در برابر بحران را دربرمی‌گیرد و به حدود دوهفته قبل از بحران اشاره دارد. مرحله حین بحران، از شروع سیل در ۱۲ فروردین‌ماه تا پایان عملیات امداد و نجات و کمک‌رسانی‌های پس از بحران تا اقدامات مربوط به عادی‌سازی، بازسازی و جمع‌کردن کمپ‌ها و چادرها تا اوایل خردادماه را شامل می‌شود. مرحله بعد از سیل، به لحاظ زمانی، از آغاز بازسازی و پایان مرحله امداد، از اویل خردادماه تا پایان شهریورماه ۱۳۹۸، در نظر گرفته شده است. در شناخت تغییرات مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، به برش زمانی بحران طبیعی سیل توجه شده و روند تغییر مفهومی هر کدام از مؤلفه‌ها در سه مرحله هدف اکتشاف قرار گرفته است. با استناد به کدهای استخراج‌شده، قاب تحلیلی مفاهیم ساخته شده است، به‌طوری‌که این مفاهیم بتوانند تغییرات هر مرحله را نشان دهند. کدگذاری‌ها تا رسیدن به‌نوعی اشباع نظری در هر بُعد از قاب تحلیلی ادامه داشته است. محورهای انتخابی همان قاب تحلیلی متأثر از پاتنام، یعنی شبکه‌های مشارکت مدنی، آگاهی و اعتماد اجتماعی، روند کدگذاری را در

سطح بالاتر تسهیل می‌کند و سطوح بالاتر کدگذاری تحت تأثیر جهت‌گیری دوطرفه کدگذاری باز از پایین و قاب تحلیلی از بالا شکل می‌گیرند.

یافته‌های پژوهش

۱. تغییرات مؤلفه آگاهی: گذر از نگاه تقدیرگرا

در جدول ۱، تمام کدهایی که وجه هنجاری و شناختی سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند، در سه مرحله زمانی بحران جای‌گذاری شده‌اند.

جدول ۱. یافته‌های مؤلفه هنجارهای متقابل در مراحل مختلف بحران (قبل و حین و بعد از سیل)

| قاب تحلیلی | | مفهوم اصلی | مفهوم قرعی | | مفهوم و گزارندها | مرحله زمانی |
|-------------------------|---|-----------------------|--------------------------|---|---|-------------|
| هنجارهای متقابل و آگاهی | → | تقدیرگرایی | پرساخت طبیعی بلازا | ← | لکان بازندگی شدید، ناساستن مکان، بازندگی شدید و لکان وقوع سیل، سایه‌دادگان سیل در گاشته، تیرمچه‌تل سیل بر جسب روی دادهای گذشته، تبود آگاهی‌های پیش‌گیرانه در مواجهه با سیل، تدانان اطلاعات دقیق درباره ایام سیل، دقیق‌بیرون پیش‌بینی‌های قیلی | قبل از سیل |
| | → | دولتسازیون بلازا | ضعف آگاهی نهادی از بلازا | ← | هواشنسی درباره سیل، لکان خطر سیل برای مناطق نزدیک رویخانه، گذراپیون هشدارهای سیل، تاکال گیرشدن از حادثه سیل، پیش‌بینی به بیمه اموال و سنتل | حین سیل |
| | → | انسان‌ساخت‌بیون بلازا | وایستگی کامل به دولت | ← | بارگزدن سند بالادست و جاری شدن سیل، بازپرکردن ابرها، اطلاع دولت از وقوع سیل و عدم انجام کار مناسب تبود نظارت شورداری بر ساخت‌وساز و صدم رعایت حیزم رویخانه، قابل کنترل بیون سیل، شکل گیری تویی خشم نسبت به دولت، گمراهی مردم و خوش اطلاعات غیردقیق گذشته، نویی سردگری دولت در مواجهه با سیل | بعد از سیل |

قبل از سیل

درباره آگاهی از پدیده سیل، یکی از افراد سیل زده بیان کرد: «فکر نمی کردیم اینقدر سیل بیاید، چون تا حالا چنین چیزی نیامده بود. فکر می کردم هرجی قسمت و تقدير ما باشد اتفاق می افتد». بسیاری از افراد در مصاحبه ها بیان کردند که درک روشی از سیل، آسیب‌پذیری و خطرپذیری محل زندگی شان نداشتند. اغلب افراد قبل از وقوع بلای طبیعی، حادثه را پدیده ای طبیعی و مقدر درک کردند. این دیدگاه طبیعت‌گرایانه و تقديرگرایانه، به عدم احساس خطر درباب وقوع وقایع طبیعی منجر می شود. همچنین، اغلب افرادی که در مجاورت مسیر رودخانه بودند اظهار کردند که: «من چون خانم دورتر از رودخانه بود، اهمیتی به هشدارها نمی دادم». درباب سازمان ها و نهادهای مرتبط با هشدار، اغلب سازمان ها از جمله سازمان هواشناسی پدیده را به صورت خطر ادراک نکرده بودند. یکی از کارشناسان دولتی معتقد است: «اطلاعات هواشناسی هم مبهم بود. خود دولتی ها هم تصور دقیقی نداشتند و همه غافل‌گیر شدند».

حین سیل

مردم محلی سیل زده و فعالان مدنی در مناطق پلدختر، که بیشترین خسارت را دیده بود، اظهار کردند: «دولت در شب حادثه اصلاً نبود و هیچ امکاناتی از قبل آماده نکرده بود. ما دو روز با بیرون قطع ارتباط بودیم. چرا باید این جور باشد».

«اگر سدهای بالادست را باز نکرده بودند، پل دختر و معمولان را آب نمی برد. اینها به خاطر اینکه خرم‌آباد را سیل نبرد این کار را کردند».

«با اینکه ما تجربه های زیادی در بحران ها داریم، ولی واقعاً دولت آمادگی مناسب برای مواجهه با بحران را ندارد» (فعال مدنی از پل دختر).

باور به نقش دولت در مرحله حین سیل، شکل غالب این مرحله از حادثه است. نظریات مبتنی بر توطئه در بین مردم، و این فکر که دولت برای مقابله با وقوع سیل در خرم‌آباد و شکستن سد بالادست در خرم‌آباد، سدها را پر کرده است، در بین مردم شکل گرفته است، درحالی که به میزان بارش در مناطق بالادست، فرسایش خاک و ضعیف شدن پوشش گیاهی در مناطق مسیر رودخانه کمتر اشاره شد و این نشان می دهد که مردم پدیده سیل را دولت ساخت می دانند.

بعد از سیل

تداوم مقصراًنگاری نهادهای دولتی در باور ساکنان محلی در مرحله بعد از سیل، نشان می‌دهد که در باور فرهنگی مردم دولت وظيفة پیش‌بینی و مقابله و امدادرسانی دارد. در بحث‌های گروهی، اعضای سمن‌ها معتقد بودند:

با اینکه مردم هم کوتاهی داشتند، ولی دولت هم اقدامات یا برنامه مشخصی نداشت و خیلی مقصراست (کارشناسان بحث گروهی).
از دیدگاه افراد درگیر در حادثه، سیل منشأ طبیعی دارد، اما اقدامات نادرست ساختاری و زیربنایی و مدیریت نامناسب، به وقوع و تشديد حادثه منجر شده است.
«البته، ما خودمان مردم محلی- مقصرا بودیم».

«اگر خودمان این جنگل‌ها و درختان را نابود نمی‌کردیم و آب خیزداری می‌کردیم، این سیل‌ها نمی‌آمد (مرد سیل‌زده)».

«حداقل می‌دانم اگر بخواهد سیلی بباید وسائل مهم زندگی‌ام را قبلش برمه‌دارم، تو این سیل همه‌چیز را از دست دادم، ولی تجربیاتی را به قیمت گراف خریدم (مرد سیل‌زده)».
با این‌وصف، می‌توان گفت وجه انسانی و مدیریتی اقدامات (لایروبی نکردن رودخانه‌ها، مدیریت نامناسب سدها، وضعیت نامناسب سیل‌بندها، جابه‌جانکردن وسائل منزل) نسبت به طبیعی‌دانستن پدیده غالب بوده است.

بنابراین، در زمینه‌آگاهی، در سه مرحله قبل، حین و بعد از سیل، به ترتیب، شاهد شکل‌گیری هنجارهای طبیعت‌گرایانه قبیل از حادثه، باور به دولتساخت‌بودن وقایع طبیعی در حین حادثه، و رفتن به سمت درک انسان‌ساخت و دولتساخت‌بودن بلایای طبیعی پس از حادثه هستیم.

۲. تغییرات مؤلفه اعتماد: شکل‌گیری اشکال جدید اعتماد

کدهای مربوط به اعتماد در سه مرحله زمانی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. یافته‌های مؤلفه اعتماد در مراحل مختلف بحران (قبل، حین و بعد از سیل)

| مرحله | متغیر | متغیر فریم | متغیر اصلی | قابل تحلیل |
|------------|--|--|--|------------|
| قبل از سیل | حضور نیروی انتظامی، برای سیلبرین خروج مردم از منازل، شلیکتیر هوان، برای تنفسی خروج از منازل، متبلی نیوز، اطلاعات مسؤولان، اعتراف، به انداد کار، برای مراجمه به درب منازل برای خالیه | ضفت اعتماد به اطلاع‌رسانی، ضفت اعتماد به علکرد، نهادهای رسمی، (فرارداری، هواشناسی)، اعتماد نسبت به شکوه‌های خوبناکی و محله، | قوت اعتماد شبکه‌های کنیروسم، و ضفت اعتماد به مراجع رسمی، | |
| حین سیل | باور به عملکرد ضفت مسؤولان، اعتماد به علکرد ضفت به محظ شنیدارهای ادارت اعتماد به ضفت علکرد دلت در محدوده بحران، عدم مدیریت سکوت در کسیله، عدم اعتماد به اخبار هواشناسی، و روانهای رسمی، منجزات‌لیه و مصال منزل، عدم ذخیره مواد غذایی، تجویه به اعلام قطوار از سوی اشخاص و سکوت در مبنی الهابتیر، از سرقت لوال و معمکن‌ترک منزل | ضفت اعتماد به شکوه‌های خوبناکی و محله، | شکل گیری اشکل جديدة اعتماد درینه، و شد ای اخلاقی، | اعتماد |

| مرحله | متوجه | متوجه قرعه | متوجه اصل | قابل تعامل |
|------------|---|---|-----------|------------|
| بعد از سیل | <p>کاهش، پیشران، رسانه‌ای اخبار سیل، عدم انتقال هنرها و یادهای مردم، پیوست رسانه‌های پیگردی‌نشدن مطالبات مردمی، از طرف، پیشرانهای خبری</p> <p>به انتقام، و به، خیال، خوب‌سازی، سکوت و محافظه کاری مردم بیرون، نسبت به سیل زدگان، شف اعتمادی‌تر، در برابر مسائل، شف حساسیت و تقدیر، هنرها نسبت به مسائل اجتماعی، روابط تکروات مبتدا، پرمتصریویون، مردم و کنایه‌کاری‌مند، آنها</p> <p>روایج دروغ‌گیر، و درون، و قلب، واقعیت‌ها برای جلد، گمک، حیوه‌پوشن، مردم برای دریافت گشکله، ستیز و فربنگاری برای دریافت گمک</p> <p>احسنه، تنهان، و، گمک، مردم، سحل، به، انتقام، به یکدیگر، عدم اعتماد به گمک به همواره در موافق بحوار، اتفاق، کاهش، اعتماد مردم سحل، به یکدیگر (نهاد بدبستانه به یکدیگر)، محدودیتشون، نکوش، گمک به خانواده خود و اطرافیان، در موافق بحواران، اینها</p> | <p>کم اعتمادی به رسانه‌های رسمن،</p> <p>شکل گیری توجه، بدینه، در مودم نسبت به سودم یکدیگر</p> <p>ماندگارشدن ارزش‌های اخلاقی، منفی، و خودخواهانه</p> | | |

قبل از سیل

افراد محلی در ارتباط با شب حادثه چنین گفتند:

«در قسمتی از شهر برای هشدار به مردم تیر هوایی شلیک شد. چون بعضی‌ها در خانه در

خواب بودند و آب پشت در خانه بود» (اصحاحه زن پل دختری)

«با این که تلویزیون هشدار می‌داد و در سطح خیابان‌ها نیز خبرهای هشداردهنده پخش می‌شد، ولی مردم باور نمی‌کردند» (اصحاحه مرد پل دختری)

طبق اطلاعات به دست آمده، بی توجیهی به هشدارها درباره سیل، از ضعف اعتماد به نهادهای رسمی درباره وقوع حادثه و خطرسازبودن آن نشان دارد. کارشناسان در بحث‌های گروهی باور داشتند که: «اعتماد مردم به رسانه‌های رسمی بالا نیست و این رسانه‌ها نیز اطلاعاتشان دقیق نبود».

وقتی اعتماد به نهادهای رسمی، به ویژه در موقع رخداد بلایای طبیعی، کم باشد، شبکه‌های گوناگون غیررسمی محلی (مردم، بسیج، نیروهای مذهبی، جهاد، افراد خیر) در مرحله

اطلاع‌رسانی وارد عمل می‌شوند، ولی بدلیل ناکارآمدی دولت در فراهم کردن زیرساخت برای انتقال افراد جامعه به جای امن، حتی خود نهادهای رسمی نیز امکان جابه‌جایی دستگاه اداری خود را به جای امن پیدا نمی‌کنند. یکی از مسئولان حاضر در مناطق سیل‌زده بیان کرد:

«ما هرچه می‌توانستیم به مردم اطلاع دادیم، ولی مردم گوش ندادند و به جای گوش کردن به حرف مسئولان انتظامی، متکی به کمک‌های اقوام و توصیه‌های آشنایان شدند.»

با توجه به اطلاعات به دست آمده، شبکه‌های خویشاوندی و مردم محلی تا حدی توانستند بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی را جبران کنند. در فرآیند سیلاب، اعتماد به شبکه‌های غیررسمی باز تولید یا تقویت شد.

حین سیل

در این مرحله، در بستر شبکه‌های مجازی و ارتباطات جامعه بیرونی با اجتماع محلی، اعتماد تعمیم‌یافته شکل جدیدی به خود گرفت:

«افراد و خانواده‌ها مستقیماً یا به‌وسیله یک رابط محلی با تلگرام یا واتس‌آپ وضعیت خودشان را به خیران اطلاع می‌دادند و آنها هم کمک می‌فرستادند» (مصاحبه زن پل دختری)

افراد در قالب فضای مجازی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند و اشکال مختلفی از اعتماد بین‌فردی این گونه شکل می‌گرفت، گرچه سوءاستفاده‌هایی از این اعتماد در دو طرف ماجرا نیز انجام گرفته است (ابزاری و اخلاقی). یکی از افراد ساکن در شهرستان پل دختر بیان می‌کند:

«از همه نقاط کشور به‌سوی لرستان کمک و خیر سرازیر شده بود و این‌همه اعتماد و کمک

برای ما واقعاً خوشحال‌کننده بود» (مرد سیل‌زده پل دختر)

گروه‌هایی از نیروهای مدنی، جهادی، افراد خیر و حتی هنرمندان، از سراسر کشور، بدون هیچ‌گونه شناخت قبلی و صرفاً با استناد به اطلاعات رسانه‌ها یا حضور میدانی، کمک ارسال کردند. یکی از اعضای سمن حاضر در مناطق سیل‌زده بیان می‌کند:

«سمن‌ها و خیرین کمتر به دولتی‌ها اعتماد داشتند و خودشان می‌خواستند مستقیماً کمک‌ها را توزیع کنند.»

شیوه توزیع ناعادلانه کمک‌ها به دست دولت و افراد خیر و نبود سازوکاری هوشمند برای شناسایی افراد آسیب‌دیده، باعث شد که افراد با تماسک به کارهای غیراخلاقی، مانند دروغ و جعل سند، اقلام کمکی بیشتری جذب کنند. از این‌جهت، اعتماد نهادی و غیررسمی دچار مشکل شد. یکی از کارشناسان حاضر در مناطق سیل‌زده بیان کرد:

«گاهی بین خیرین و نیروهای جهادی نیز اختلافاتی پیش می‌آمد و هر کس دیگری را متهم به سوءاستفاده می‌کرد.»

یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌های اخلاقی منفی با رویکردهای خودخواهانه در میان مردم محلی و در رابطه آنها با بیرونی‌ها شکل گرفته است. این اتفاق را می‌توان بهمثابة واکنشی در قبال وضعیت پیش‌آمدۀ تفسیر کرد. ارزش‌های قبیله‌گرای افراد محلی و کارکنان اداری و نهادها نیز در هنگام تقسیم اقلام و کمک‌های مردمی تا حد زیادی در تضعیف اعتماد بین مردم و نهادها مؤثر بوده است.

بعد از سیل

پس از سیل، اعتماد در قالب اشکال مختلف خود را نمایان ساخت، ولی از آنجاکه پوشش رسانه‌ای از حادثه و انعکاس مشکلات مردم به تدریج نسبت به دوره حین سیل کاهش یافت، جامعه‌آسیب‌دیده به جامعه بیرونی کم‌اعتماد شد. با اتمام فعالیت سمن‌ها و انجمن‌ها در مناطق سیل‌زده و ترک مناطق، بدلیل انتظاراتی که سمن‌ها به‌واسطه عملکرد خود در حین سیل در جامعه‌آسیب‌دیده به وجود آورده بودند، موجی از بی‌اعتمادی و احساس ناکارآمدی در برابر عملکرد سمن‌ها شکل گرفت. افراد محلی در این‌باره چنین گفتند:

«بعد از مدتی خیرین فکر می‌کردند که ما دروغ می‌گوییم و کسی دیگر به حرفمان گوش نمی‌کرد و آنجا را ترک کردند».

با این اوصاف، جامعه‌آسیب‌دیده احساس کرد که تشکل‌های مردم‌نهاد صرفاً نگاه خیریه‌ای و شخصی داشته‌اند و به‌دبیل حل مشکلات واقعی مردم و توانمندسازی آنها نبوده‌اند و در نیمة راه کار خود را تمام‌شده دانسته‌اند. یکی از مسئولان دولتی در بحث‌های گروهی چنین گفت:

«بعد از مدتی، مردم همه خواسته‌هایشان را از دولت می‌خواستند و چون دولت نمی‌توانست به آنها پاسخ بدهد، به دولت بدین و بی‌اعتماد شدند».

در سطح اعتماد محلی، به تأسی از رقابت مخربی که افراد بر سرِ جذب کمک‌های دولتی و غیردولتی با هم داشتند، بی‌اعتمادی و ارزش‌های غیراخلاقی رشد کرد. کارشناس سمن‌ها، که در مناطق سیل‌زده حاضر بود، می‌گوید:

«دروغ‌گویی و دورویی در بین مردم زیاد شد و عزت نفس مردم خیلی کم شد. طوری که بعضی برای گرفتن یک قلم کمکی قسم می‌خوردند که تاکنون هیچ‌چیزی دریافت نکرده‌اند».

در بعد اعتماد، در سه مرحله زمانی، شاهد قوت‌گرفتن اعتماد به شبکه‌های غیررسمی پیش از وقوع حادثه، شکل‌گیری اشکال جدید اعتماد در عین رشد ارزش‌های اخلاقی منفی در حین حادثه، و تضعیف اعتماد رسمی و غیررسمی پس از وقوع حادثه هستیم.

۳. تغییرات مؤلفه مشارکت: تضعیف مشارکت محلی

کدهای تحقیق درباب مؤلفه مشارکت در مراحل زمانی سه گانه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. یافته‌های مؤلفه مشارکت در مراحل مختلف بحران (قبل، حین و بعد از سیل)

| هرچله | متاهیم | مقولة فرعی | مقولة اصلی | قب تحلیلی |
|------------|---|---|--|-----------|
| قبل از سیل | عدم اسکان مردم، نبود سمن‌ها قبیل از بحران، عدم آمادگی مواجهه با سیل، سیستم دولتی مشارکت گرین، نبود سازمان‌های مردم‌نهاد ضعف سازمان‌های مردم در مقابله با بحران، عدم پوشش فرآنگر سازمان‌های انساد دولتی، عدم مشارکت مردم در ساخت کپه‌های وجود شبکه‌های غیررسمی و سازمان‌دهی نشده و فاقد آموزش، مشارکت بالقوه خویشاوندگرا | ضعف مدیریت بحران قبیل از سیل مشارکت غیرسازمانی | عدم آمادگی مشارکت نظامی در مواجهه با حوادث طبیعی | |
| حین سیل | غلبه فضای عاطفی و تحریک احساسات انسانی در فضای توده‌ای، حضور مقامات دولتی و سپاهی‌ها، افزایش ارتباط جامعه بیرون با مناطق سیلزده در راه کمک از سراسر گذار، حضور توده‌ها و آینه مردم و افراد خبر و اینجعنه مشارکت غیررسمی شبکه خویشاوندی و محلی، روابط بین گروه‌های اندادی و تخریب یکدیگر | مشارکت توده‌ای و خودانگیخته و غلبه احساسات ترکم ارتباطات اجتماعی عدم مشارکت مردم محلی و شفف همایی گروه‌های اندادی رشد سیزی و اختلافات محلی برای بقا انتقل و واپسیدن مردم محلی | ضعف مشارکت مدنی مبنی بر افزایش مشارکت توده‌ای | |
| بعد از سیل | افزایش حسوسی و بی‌اعتنایی در مقابل مصائب جمعی از سوی مردم و نهادهای امدادرسان، اتمام ارزی اینجمن‌ها در مرحله انداد و نجات نبود، اینجمن‌های تخصصی متأسیس در مراحل بحران، گاهش اخبار مربوط به سیلاب از طرف رسانه‌های رسمی و غیررسمی، محدود شدن مشارکت به کمکهای نقدی قطع کمکهای مردمی، محول شدن مسائل به دولت، نبود نهادهای متأسیس پس از بحران، ضعف مشارکت مردم محلی در بازاری و متفعل‌ماندن آنها، گاهش مشارکت مستقیم و سازمان‌بافت مردم، تداوم روحیه رایگان‌خواهی، بالارفتن انتظارات از دولت و سرخوردگی و ناپایایی، تقلیل کارکرد اینجمن‌های امور خوبیهای، واپسگی و سرخوردگی به کمکهای خیریه‌ای و دولتی، واپسیدن به کمک دیگران و دولت افزایش تشکلهای و اختلافات محلی در مرحله بازاری، درست کردن مدارک جعلی برای گرفتن وام، نشان‌دادن درمانگی و اظهار ناتوانی برای گرفتن کمک | حساسیت‌زدایی حوادث طبیعی پس از وخداد کاهش مشارکت - مستقیم و سازمان‌بافت واپسگی به نهادهای رسمی و مردمی ضعف کششگی اجتماعی و تقویت رایگان‌خواهی | تضییف مشارکت محلی | مشارکت |

قبل از سیل

اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد، مردم و دولت در مواجهه با بحران، آمادگی و مشارکت نظاممند نداشته‌اند:

«قبل از سیل هیچ آمادگی‌ای نداشتیم و حتی خود دولتی‌ها هم آمادگی نداشتند. نه کمپی بود و نه محلی برای اسکان و دولت هم جز اعلان خبر و هشدار در مورد آمدن سیل کاری نمی‌کرد» (مرد محلی).

از این‌منظور، سازمان‌های دولتی متولی مدیریت بحران و حتی سمن‌های عمومی نیز در پیش‌بینی خطر و ایجاد آمادگی حضور مؤثری نداشتند. شبکه‌های خویشاوندی غیررسمی نیز ادراک درستی از سیل نداشتند و نتوانستند قبل از سیل به‌جز هشدارهای عمومی کار خاصی انجام دهند. کارشناسان در بحث‌های گروهی بر این باور بودند که:

«جوامع محلی تشكّل‌های مردم‌نهاد به‌خصوص نهادهای متخصص و آموزش‌دیده در حوزه مدیریت بحران ندارند و اینجاست که تمام بار به دوش شبکه‌های خویشاوندی یا دولت می‌افتد».

حین سیل

درباره مشارکت و درگیری مدنی، افراد محلی چنین می‌گویند:

«در آن روز بعد از سیل ما ۱۸ ساعت در پشت بام خانه تنها بودیم و مرگ را به چشم خود دیدیم. بعد از فروکش کردن آب، آشنایان با کامیون‌های سنگین و تراکتور به کمک ما آمدند». فقدان آمادگی نهادهای رسمی برای مواجهه با بحران و نداشتن برنامه‌ای برای اقدامات دقیق جهت جلوگیری از حادثه و پیامدهای آن، به مردم و شبکه‌های محلی رسمی و غیررسمی القا می‌کند که خطر و آسیب از جانب بلایای طبیعی جدی نیست و به‌همین‌دلیل، آنها در ممانعت از وقوع فاجعه مشارکت نمی‌کنند. در آغاز بحران، به‌دلیل نبود آمادگی زیرساختی و انسانی، شبکه خویشاوندی همراه با امکانات محدود نهادهای دولتی مانند هلال احمر، توانست مرحله امداد و نجات را پشت سر بگذارد. به تدریج، با حضور گروههای رسمی و غیررسمی از سراسر کشور در این مناطق، کارهای زیادی انجام شد و راه‌ها باز و کمک‌ها به این مناطق بعد از یک‌روز بی‌خبری وارد شد، به‌طوری‌که مردم در مصاحبه اظهار کردند:

«واقعاً اگر کمک نیروهای جهادی و خیرین و ارتش و بسیج نبود، هیچ‌کس نمی‌توانست این‌همه گل‌ولای را از خانه‌ها بیرون بیاورد».

اما، امکان مدیریت هماهنگ، به‌دلیل وجود نیروهای ناهمگن دولتی به‌دست نیامد که این موضوع ضعف نهادمند سازمان‌های مدنی را در مدیریت بحران جامعه آسیب‌دیده نشان می‌دهد.

به تدریج، به علت شکل نگرفتن ارتباط بین مردم و دولت و نهادهای مردمی کمک‌رسان، مردم محلی منفعل شدند و نیروهای مردمی نیز نتوانستند کمک‌ها را به شکل مؤثری توزیع کنند و بسیاری از منابع سازمان‌های خیریه و مردم‌نهاد به هدر رفت. در این‌باره، کارشناسان در بحث‌های گروهی باور داشتند:

«ناهمانگی زیادی بین کار سمن‌ها و دولت وجود داشت، به طوری که خیلی از کمک‌ها ناعادلانه توزیع شد یا به هدر رفت».
یکی از مسئولان دولتی بر این باور بود که:
«خیریه‌ها با شیوه ورودشان به محل، باعث مشکلاتی برای بازسازی شدند، به طوری که مردم فقط از بیرون انتظار کمک داشتند».

حضور گسترده نیروهای کمک‌کننده باعث شد مردم محلی برای جذب کمک‌ها با هم به رقابت بپردازند. این رقابت اختلافات و تضادهایی در میان مردم به وجود آورد و شکاف‌های اجتماعی محلی (شکاف‌های طایفه‌ای، شکاف‌های منطقه‌ای، جغرافیایی و...) را در میان مردم فعال کرد. به بیان دیگر، ضعف مدیریت بحران به بازتولید خویشاوندگرایی در زمان سیل منتهی شد.

بعد از سیل

مردم محلی در مصاحبه‌ها اعلام کردند که: «بعد از مدتی، خیرین و جهادی و سمن‌ها ناگهان رفتند و مردم تنها شدند با مشکلاتشان» (خانم در یک روستای سیل‌زده).

«دیگر کسی سراغی از ما نمی‌گرفت و حتی کسی حوصله‌گوش‌دادن به مشکلاتمان را هم نداشت و رسانه‌ها هم منعکس نمی‌کردند» (مرد ساکن در شهر پلدختر).

میزان بالای مشارکت بیرونی‌ها در حین سیل و حضور نیروهای مردمی و جهادی، و قطع شدن این مشارکت پس از سیل، به شکل‌گیری آسیب‌هایی همچون بالارفتن حجم انتظارات از دیگران، کاهش یکباره کمک‌ها، و احساس نامیدی و انفعال جامعه محلی، شکل‌گیری تصور از سیل به مثابه امری بیرونی، و مقصراجویی و واپستگی بیشتر به دیگران انجامید. یکی از کارشناسان در بحث‌های گروهی باور داشت:

«روحیه مطالبه‌گری در مردم ضعیف شده و هر کسی خودش فقط طلب کار بود و در مشارکت اجتماعی نقش جدی ندارند».

کاهش حساسیت بیرونی‌ها و بی‌اعتنایی آنها به حادثه و عدم پوشش رسانه‌ای، به ضعف کنشگری و کاهش مطالبه‌گری اجتماعی مردم محلی منجر شد و واپستگی بیشتر به نهادهای رسمی و رشد روحیه رایگان‌خواهی را به دنبال آورد. مردم پس از اتمام فعالیت سمن‌ها، در مصاحبه‌ها بر این امر تأکید داشتند که:

«سمن‌ها و جهادی‌ها به فکر انجام کارهای بلندمدت نبودند و در اثر وجود توجه‌های رسانه‌ای با نگاه خیریه‌ای در آنجا حضور یافتند».

مردم در برخورد با مشکلات، به جای روحیه همکاری، به انتظار خیرها یا نیروهای دولتی نشستند تا ناجی‌وار مشکلات آنها را حل کنند.

در بعد مشارکت، در طی سه مرحله زمانی، با عدم مشارکت نظاممند در قبل از حادثه، ضعف مشارکت نهادمند و رشد مشارکت توده‌ای و ناهمانگ در حین حادثه، و تضعیف مشارکت محلی و رشد رایگان خواهی و سواری مجانی پس از حادثه، مواجهیم.

نتیجه‌گیری و بحث

تغییر سرمایه اجتماعی در اثر وقوع سیل در استان لرستان مطابق روندی که در ادامه ذکر شده اتفاق افتاده است:

رونده تغییر آگاهی: نبود سازمان‌ها و انجمن‌های مدرن برای مواجهه با بحران، نشان‌دهنده عدم آمادگی ذهنی برای مقابله با بحران است. بهمین‌جهت، با وقوع بلای طبیعی، اجتماع محلی غافل‌گیر می‌شود، ضمن اینکه درکی از میزان خطر ناشی از حادثه ندارد. در حین سیل، به علت غافل‌گیری ناشی از حادثه و ناکارآمدی مدیریت بحران، نوعی دیدگاه احساس وجود توطئه، و خشم علیه نهادهای دولتی در میان مردم رواج یافته است، تا جایی که علت سیل را به نیروهای متافیزیکی مانند گناه‌کاری مردم و غصب خداوند، یا تصمیم بدخواهانه مدیران دولتی استانی و کشوری و بازکردن سدها نسبت داده‌اند. در مقاطع زمانی و برهه‌های خاص تاریخ ایران، هرچه بحران‌ها و تنشهای سیاسی و اجتماعی در جامعه بیشتر شده، تفکر مبتنی بر توطئه‌باوری نیز افزایش چشم‌گیری یافته است. این موضوع قبلاً در حوادث دیگری و توسط محققین دیگری در حوادث دیگری مانند زلزله بم، زلزله آذربایجان و سریل ذهاب نیز تکرار شده است (ایران‌منش، ۱۳۹۶).

به مرور، این نگرش‌ها تعدیل شده است، به طوری که رویکرد مردم به‌سمت درون رفته است و تا حدی سهم خود را در ابتلا به این بلای طبیعی پذیرفته‌اند، اما همچنان معتقدند که بلایای طبیعی قابل مدیریت هستند. پس از حادثه، آگاهی‌ای که درباب حادثه شکل گرفته، بیشتر در حالت عاطفی باقی مانده و کمتر شکل سازمانی و نهادی به خود گرفته تا بتواند در برنامه‌ها و اقدامات پیش‌گیرانه بعدی مفید واقع شود.

رونده تغییر اعتماد: در بعد اعتماد، با درنظر گرفتن اهمیت اعتماد محلی و اعتماد نهادی، به بررسی یافته‌های پژوهش پرداخته‌ایم. طبق یافته‌ها، قبل از وقوع حادثه، با بی‌توجهی مردم به

هشدار نهادهای دولتی و سازمان‌های مختلف درباره وقوع سیل مواجه بودیم. این امر نشان می‌دهد که قبل از وقوع سیل، دایرۀ اعتماد جامعه به نهادهای دولتی محدود است و مردم، بهویژه به نهادهای رسمی، اعتماد ندارند. حتی، یکی از افراد محلی در مصاحبه اشاره کرد که قبلاً هم گفته بودند سیل می‌آید، اما نیامد و بهمین دلیل، دیگر هشدارها را جدی نمی‌گرفتند. این مطلب با زمینه اجتماعی حاکم بر جامعه پیش‌گفته بی‌ارتباط نیست. در جامعه لرستان، اغلب اعتماد به دایرۀ خاصی محدود می‌شود و اعتماد تعییم‌یافته، مخصوصاً به بیگانه، بهویژه دیگری دارای قدرت (نیروهای رسمی)، کمتر است. قرار گرفتن جامعه در انزوای جغرافیایی، اتحاد ایلی در مقابل ایل‌ها و طوابیف دیگر برای حفظ اموال و زمین، اهمیت نسب و طایفه، وجود سابقه غارت و ناامنی، همگی، فضایی ذهنی تؤمن با ترس و بدینی برای ساکنان این منطقه علیه «دیگری» ساخته است که امروزه بخشی از فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه را شکل داده است.

در حین سیل، بهدلیل انباشت کمک‌های مردمی، اعتماد به نیروهای بیرونی ترمیم شد و روحیه همبستگی ملی، درپی حضور توده‌ای گروه‌های گوناگون تقویت شد، اما ازدست‌رفتن اسباب زندگی و نیاز به بقا، فضایی مخرب و رقابتی میان افراد ایجاد کرد و اعتماد بین افراد محلی صدمه دید؛ بنابراین، اگر قبل از حادثه، سطح پایینی از بی‌اعتمادی نهادی در جامعه برقرار بود، در حین سیل، این بی‌اعتمادی، به بی‌اعتمادی بین‌فردي و محلی تبدیل شد. با توجه به ساختار زندگی معیشتی جامعه قبل از سیل و پیشینه کشاورزی آن برای تأمین معیشت، با رخداد حادثه و ازبین‌رفتن منبع درآمد، احساس ناامنی به نزاع برای بقا در جامعه سیل‌زده منتهی شد. لرستان اغلب به‌علت پیشینه ایلی و کشاورزی معیشتی و فقر دیرپا، معمولاً در حالت جنگ برای بقا بوده است؛ بهمین دلیل، احساس ناامنی و تنازع بقا همواره جزئی از فرهنگ زندگی در لرستان بوده که در میانه بحران تشدید شده است.

جامعه‌ای که فرهنگی همراه با خشم، فقر و انزوای جغرافیایی داشته است، با وقوع بلای طبیعی، خود را در کانون همبستگی ملی و توجه رسانه‌ای می‌بیند و تلاش می‌کند تا از این توجه ملی نهایت استفاده را ببرد. هجوم گروه‌های مختلف مردم مناطق دیگر به مناطق سیل‌زده، بدون اینکه آسیب‌دیده باشند و صرفاً برای گرفتن کمک، به شکل‌گیری رقابت و برخورد خشن بین آنها و مردم محلی منجر شد. علاوه‌براین، ناکارآمدی نهادهای مدیریت بحران، مداخله مستقیم افراد خیر و سازمان‌های غیردولتی در توزیع اقلام، و فقدان برنامه‌ریزی مناسب، باعث تشدید برخوردها و نزاع‌ها شد. نتیجه این وضعیت، بی‌اعتمادی بیشتر مردم به همشهريان، و نهادهای رسمی و غیررسمی بود.

اشکال جدیدی از اعتماد نیز، بهدلیل ورود نیروهای غیربومی و جهادی و افراد خیر در میان مردم شکل گرفت که با حضور شبکه‌های اجتماعی مجازی، فرصت‌های جدیدی خلق کرد. این شکل از اعتماد، مخصوصاً در جامعه‌ای که شعاع دایره اعتماد در آن، بهدلیل غلبه خاص‌گرایی محدود است، نکته مهمی محسوب می‌شود و نوعی ادغام اجتماعی جامعه محلی بهشمار می‌آید. روند تغییر مشارکت: مشارکت و درگیری مدنی با دو مؤلفه حضور نهادهای مختلف و مشارکت مردم سنجیده شد. همراه با وقوع سیل، با مشارکت گروههای مردمی و غیررسمی برای نجات اقوام و آشنایان، در قالب مشارکت محدود و درون‌گروهی مواجه بودیم؛ بنابراین، نوعی مشارکت خاص و محدود در جامعه جریان دارد. طبق گفته‌های کارشناسان در بحث گروهی، غلبه این نوع مشارکت ناشی از آن بود که جامعه لرستان فاقد سمن‌های تخصصی و حتی عمومی توانمند، مخصوصاً در حیطه مدیریت بحران، است و مشارکت غالباً در شکل سنتی و خودانگیخته برقرار می‌شود.

در حین سیل، جامعه سیل زده با رشد مشارکت توده‌ای و حضور گروههای مختلف روبرو شد. این نوع از مشارکت، سطح مشارکت برون‌گروهی را در جامعه بالا برد و به تقویت اعتماد به گروههای غیررسمی و افراد خیر منجر شد، ولی حضور سازمان‌نیافرته و آموزش‌دیده‌بودن امدادگران و کمک‌کنندگان، به رغم نیت انسانی و خیرشان، مشکل‌ساز شد و برآیند مشارکت اجتماعی مؤثر را با تردید مواجه کرد. حضور گردش‌گرانه بعضی امدادگران و افراد خیر، ایجاد تنش بین افراد خیر و امدادگران و دولتی‌ها، برخورد عاطفی خیرها با مردم سیل زده، و گاه سوءاستفاده افراد خیر و محلی‌ها از یکدیگر، رفتارهای کاسب‌کارانه‌ای در میان مردم ظاهر کرد. حضور گروههای مختلف غیرمسئول دولتی و غیردولتی در جامعه آسیب‌دیده در روزهای اولیه سیل، مشارکتی کوتاه‌مدت و لحظه‌ای را رقم زد. یکی از حاضران در روزهای نخست سیل، که مسئول تشکل‌های مردم‌نهاد در منطقه بود، می‌گفت با اینکه چند شب نخوابیده بودند و به مواد غذایی دسترسی نداشتند، باید از مهمانان و شخصیت‌های مهمی که از نقاط مختلف برای بازدید می‌آمدند استقبال می‌کردند و نمی‌دانستند به وضعیت مردم رسیدگی کنند یا برای افراد مهم با مناصب دولتی سرپناه و امکانات پذیرایی فراهم کنند. بهمین دلیل، بیشتر نهادها و افراد خیر بعد از مدت کوتاهی انرژی خود را تمام‌شده و تکلیف خود را انجام‌داده فرض کردند و منطقه سیل زده را ترک کردند و کارها را به دولت سپردند.

جامعه بعد از سیل، با توجه به اتفاقات حین سیل و قطع شدن ناگهانی کمک‌های مردمی، سمن‌ها، و نیروهای جهادی، و آماده‌نشدن زیرساخت‌ها، همانند مرحله قبل از سیل، غافل‌گیر شد. اتمام کمک‌ها و کاهش پوشش رسانه‌ای، به بدینی و بی‌اعتمادی مردم به گروههای

بیرونی، از جمله دولت، نهادها، و سمن‌ها، دامن زد. این رخداد میزان اعتماد مردم را به نهادها و انجمن‌های مردم‌نهاد متزلزل کرد.

از طرفی، وابستگی به کمک‌ها در حین سیل، مردم محلی را منفعل ساخت و آنها را نسبت به بیرونی‌ها و خودشان بی‌اعتماد کرد. وابستگی به کمک، نه تنها سرمایه اجتماعی را در بعد برونقروهی (پیوندی) و ملی کاهش داد، بلکه پس از کاهش باقتن کمک‌ها به دنبال فرونشستن فضای احساسی و غلیان اجتماعی مردم، به انزوا و فردگرایی مخربی منجر شد که طی آن، هر کسی سعی می‌کرد، به هر وسیله ممکن، با بزرگنمایی خسارت خود، یا گاه با تمارض، سهمی از کمک‌های دولتی دریافت کند. این در حالی است که در ابتدای حادثه، شاهد مشارکت درون‌گروهی و خودانگیخته در سطح اقوام و آشنايان بودیم. با اینکه نظام خویشاوندی عامل مهمی در کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی و بالارفتن تاب‌آوری محلی است، ولی با ورود نیروهای بیرونی به مناطق آسیب‌دیده، نظام خویشاوندی ناکارآمد شد و خود در خدمت کسب و توزیع خاص‌گرایانه کمک‌های بیرونی قرار گرفت. پس از سیل، میل به مشارکت کمتر و دامنه آن محدودتر از قبل شد. تمایل به این سطح از مشارکت، با بدینی به دیگران، به‌ویژه اقوام و بستگان و همسایگان، به‌علت برنیاوردن انتظارات، همراه شد.

مطابق یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که در هنگام بروز بلایا، با وجود اینکه جامعه محلی با نیروهای اجتماعی جدیدی ارتباط برقرار می‌کند و سطح جدیدی از تعاملات را تجربه می‌کند، به دلیل فقدان پیوند بین اشکال سرمایه اجتماعی بیرونی و درونی، این تعاملات پایدار و سازنده نیست و سرمایه اجتماعی بعد از سیل، از سطح قبلی آن هم، که بیشتر درون‌گروهی و خاص‌گرا بوده، پایین‌تر می‌آید. بنابراین، می‌توان گفت، در اثر وقوع سیل، جامعه با محدودیت ابعاد سرمایه اجتماعی مواجه می‌شود.

با این‌که ضرورت ایجاد همبستگی و اعتماد در موقع بحرانی، اصل ضروری و مورد اتفاق صاحب‌نظران است که در پیشینه تحقیق نیز به آن اشاره شد، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که لزوماً در همه‌جا چنین نیست و بروز بحران با افزایش سرمایه اجتماعی همراه نیست. بحران غالباً سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد و مشکلاتی در روند بازسازی و بازتوانی پدید می‌آورد. بدون شک، این نوع سرمایه اجتماعی در زمان بلایا، نه تنها آسیب‌های اجتماعی برآمده از بلایای طبیعی را کاهش نمی‌دهد، بلکه به بازتولید آسیب‌ها در درازمدت منجر می‌شود.

از جمله راهکارهایی که می‌توان برای جبران افت سرمایه اجتماعی ارائه کرد عبارت‌اند از: توجه به ابعاد اجتماعی بلایا در مدیریت بحران، توجه به رابطه بین دولت و نهادهای مدنی و حل تناقض اقتدار و مسئولیت، توجه بیشتر به نهادهای مدنی و تخصصی کردن آنها، کمک به

حل مشکلات انجمن‌های مردم‌نهاد، رشد و تقویت نهادهای مدنی و امدادی در مناطق توسعه‌نیافته، تقویت ارتباط بین نهادهای دولتی و غیردولتی و بالا بردن آمادگی‌های منطقه‌ای برای مقابله با بلایای طبیعی، مستند کردن تجربیات و درس‌آموزی از آنها در بحران‌های بعدی، آموزش دادن به مردم محلی، و توجه به توانمندسازی جامعه به جای نگاه خیریه‌ای به مردم آسیب‌دیده.

منابع

- ادبی‌سده، مهدی و همکاران (۱۳۸۸) «سنحش سرمایه اجتماعی میان‌گروهی (طیف سام)»، رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸: ۱۹۳-۲۲۰.
- ایران‌منش، محمد (۱۳۹۶) «الگویی برای مطالبه‌گرایی اجتماعی»، در: چهارمین همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۵ تا ۷ دی ماه ۱۳۹۶، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پاتنم، رابرت (۱۳۷۹) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دل‌فروز، تهران: روزنامه سلام.
- پیران، پرویز، میرطاهر موسوی، و مليحه شیانی (۱۳۸۵) «کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۳۶: ۹-۳۶.
- پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در ایران، برش لرستان (۱۳۹۴) طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- ترکارانی، مجتبی (۱۳۹۳) نگاهی جامعه‌شناختی و تاریخی به مواجهه دولت و نظام ایلی در تاریخ یک‌صدساله لرستان، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه و اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ترکارانی، مجتبی، حق‌ندری، ایرج (۱۳۹۵) «بررسی فراز و فرود سرمایه اجتماعی در لرستان با استفاده از تحلیل ثانویه پیمایش ملی سرمایه اجتماعی»، تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور (استان لرستان)، وزارت کشور: سازمان امور اجتماعی.
- تشکر، آذر (۱۳۹۸) «سلسله نشست‌های گفت‌وگو درباره سیل»، در جست‌وجوی مدیریت مردمی بحران، شرکت بازارآفرینی شهری ایران، خانه گفتمان شهر تهران، ۹ تا ۱۷ تیرماه ۱۳۹۸: ۱-۵.
- حیدری‌ساربان، وکیل، علی مجنوی توختانه، و محبوبه نقای (۱۳۹۵) «بررسی و ارزیابی تأثیر الگوهای اسکان مجدد بر تغییرات سرمایه اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده؛ مطالعه موردی: روستاهای زلزله‌زده شهرستان ورزقان»، جغرافیا و توسعه، شماره ۴۳: ۵۱-۷۰.
- رشادت‌جو، حمیده، علی‌اکبر رضایی، و میرنوند میرحق‌جو (۱۳۹۰) «نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی کلان شهرهای ایران؛ مطالعه موردی شهر رشت»، مطالعات مدیریت شهری، شماره ۶: ۲۳-۱.

- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، نرگس وزن، و پورطاهری (۱۳۸۶) «فرآیند مدیریت بلای طبیعی در دو شیوه بومی و جدید: روستاهای بخش خورش رستم (شهرستان خلخال)»، مدرس علوم انسانی، سال سیزدهم، شماره ۱: ۶۲-۹۴.
- رنانی، محسن، و رزیتا مؤیدفر (۱۳۸۷) «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران»، فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۶۹: ۷۹-۱۰۶.
- راه‌هدی، محمدمجود (۱۳۸۲) توسعه و نابرابری، تهران: مازیار.
- سلطانی‌حبیب، مسعود، و کیانوش ذاکرحقیقی (۱۳۹۵) «سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در مدیریت بحران در شهرها (نمونه مورد مطالعه: شهر همدان)»، دشن/انتظامی همدان، شماره ۸: ۱۱۳-۱۳۴.
- طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۳) «تبیین شاخص‌های مدیریت حوادث با رویکرد پیش‌گیری از وقوع بحران»، کمال مدیریت، ویژه‌نامه مدیریت بحران، شماره ۴: ۵۳-۷۳.
- عبداللهی، محمد، و میرطاهر موسوی (۱۳۸۶) «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۵: ۱۹۴-۲۳۳.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷) «مسائل و راه حل‌های سنجش و تحلیل سرمایه اجتماعی در ایران»، علوم اجتماعی، شماره ۳۹: ۳۱-۵۷.
- عزمی، آئیش، و مجتبی نوری (۱۳۹۶) «نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت مخاطرات طبیعی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردنی: بخش ماهی‌دشت کرمانشاه)»، جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، شماره ۲: ۷۷-۸۹.
- عسکری، امیر (۱۳۹۵) «تاب‌آوری و طراحی الگوی واکنش‌های روانی-اجتماعی بعد از وقوع زلزله تهران»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، شماره ۵: ۲۸۷-۳۱۱.
- عینالی، جمشید، حسین فراهانی، و نسرین جعفری (۱۳۹۳) «ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش اثرات سانحه زلزله در دهستان سجاد‌سرود-شهرستان خدابند»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۳۲: ۹۳-۱۱۵.
- عکاشه، بهرام (۱۳۸۳) پریروز رودبار، دیروزبم، فردا...، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار تهران. تهران: شهرداری تهران.
- عینالی، جمشید (۱۳۸۹) ظرفیت سازی برای کاهش اثرات سوانح طبیعی (زلزله) در مناطق روستایی، مطالعه موردنی: شهرستان خدابند، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی به راهنمایی مهدی پور طاهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- قدیری، محمود، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، نرگس وزن، و میزان آسیب پذیری در برابر خطر زلزله مطالعه موردنی: محلات کلانشهر تهران، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، دوره ۲۴، شماره ۲: ۱۵۳-۱۷۴.

- Chia, J. (2010) "Engaging communities before an emergency: developing community capacity through social capital investment", *The Australian Journal of Emergency Management*, 25, 1 : 18-22.
- Dahlgren, L., Emmelin, M. and Winkvist, A (2007) *Qualitative Methodology for International Public Health*. Umeå°, Sweden: Umeå° University.
- Eriksson ,M. Dahlgren, L. and Emmelin ,M (2009) "Understanding the role of social capital for health promotion beyond Putnam: A qualitative case study from northern" *Sweden Social Theory & Health* , 7,4: 318-338.
- Patterson, O. Weil, F. and Patel, K (2010) "The Role of Community in Disaster Response: Conceptual Models", *Population Research and Policy Review*, 29, 2: 127-141.
- Putnam, R.D. (1993) *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton, NJ:Princeton University Press.
- Putnam, R.D. (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York:Simon & Schuster.
- Pelling, M (2003) *The Vulnerability of Cities: Natural Disaster and Social Resilience*, Earthscan Publications Ltd.
- Ragin, C. (1994) *Constructing Social Research*. London: Pine Fogge Press.
- Yila,O,Weber,E .and Neef, A (2013) "Role of Social Capital in Post-Flood Response and Recovery", *Community, Environment and Disaster Risk Management*, 14: 79_107.